



❁ شهید مفتاح در مسیر وحدت  
حوزه و دانشگاه از برجستگی  
خاصی برخوردار است، او سالها از  
عمر خویش را به تدریس  
در دانشگاهها و ارشاد نسل جوان با  
سخن و قلم و عمل گذراند و زمانی  
نیز درسنگر ریاست دانشکده  
الهیات به انجام وظیفه مشغول بود  
که در همان محل نیز به لقاء...  
شافت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

همانا از بندگان خدا، دانشمندان و عالمان خدا ترسند.

**(قرآن کریم)**  
پیشک در میان تمامی مکاتب و ادیان و مذاهبی که از آغاز تاریخ تاکنون بوجود آمده اند هیچکدام به اندازه اسلام نسبت به علم و دانش سفارش نموده و پیروان خود را به فراگیری آن دعوت نموده اند که در این مورد آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد و همچنین روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام، رسیده خارج از شماره می باشد تا آنجا که امام صادق (ع) از پدرش و آنان از حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده اند که فرمود: **أَكْبَرُ النَّاسِ قِيَمَةً، أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّهُمُ النَّاسِي قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا** ارزشمندترین مردم، دانشمندترین آنها هستند و کم ارزش ترین آنها، کم دانش ترین آنها می باشند.

و بدنبال اینهمه تأکیدات قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) موج فراگیری علم و مبارزه با جهل، در جاهل ترین و نادانترین اقوام، اوج گرفت و چندی نگذشته بود که مسلمین دارای بزرگترین تمدنها و مراکز علمی و فرهنگی روی زمین شدند و در زمانی که اروپای امروز در تاریکترین دوران تاریخی خود در قرون وسطی می زیست، حوزه های علمی وسیعی در گوشه و کنار جهان پهناور اسلام وجود داشت و مسلمین در رشته های مختلف علمی، هر روز هست به ابتکار و پیشرفتی تازه می زدند که در این میان حوزه علمی امام جعفر صادق (ع) و شاگردان بسیار آنحضرت، و ادامه آن در تاریخ اسلام، نقش بسزائی دارد.

ولی با دور شدن حکومت های بظاهر اسلامی از اسلام محمد (ص) و غوطه ور شدن آنان در لجن زار رفاه و فساد و ستم، به مرور زمان جوامع اسلامی به پوسیدگی گرایدند و حرکت علمی آنان نیز متوقف شده و به قهقرا رفت، تا آنجائیکه در دوران جنگهای صلیبی، تمامی میراث علمی مسلمین به غرب انتقال یافته و با درگیریهای داخلی و خارجی که در کشورهای اسلامی اتفاق می افتاد و فساد شدیدی که دامنگیر آنها شده بود، مسلمین از رشد علمی و تکنولوژی بازماندند و به مرور زمان با تسلط بیشتر استعمارگران بر سرزمینهای اسلامی، کشورهای بزرگ اسلامی بتدریج تجزیه شده و استعمارگران در قسمتهای تجزیه شده نیز مسائل اختلاف انگیز بسیاری را باقی گذارند تا هر زمان که خواستند، این حساسیتها را تحریک نموده و برای کشورهای اسلامی ایجاد دردسر نمایند و با این خط سیر بود که همزمان با رشد علمی غرب و توقف علمی کشورهای اسلامی سیر وابستگی علمی و تکنولوژیک شروع گردید که همچنان در بیشتر کشورهای اسلامی این مسئله ادامه دارد... ولی آنچه در این میان از گزند این حوادث محفوظ ماند و آن علومی که سیر تکاملی

## \* بدنبال تأکیدات مکرر قرآن

کریم و پیامبر اکرم (ص)، موج

مبارزه با جهل و فراگیری علم

و دانش در جاهل ترین و نادان ترین

اقوام چنان اوج گرفت که بسوز

چندی مسلمین دارای بزرگترین

تمدنهای و مراکز علمی و فرهنگی

روی زمین شدند.

خود را تاکنون داشته و به این سیر ادامه می دهد. فرهنگ و معارف اصیل اسلامی و فقه شیعه می باشد که از آغاز وابستگی به حکومتها پیدا نکرده و فساد و تباهی حکومتها نیز به آن راه نیافت، چه خونهای پاک که بهای این درخت تنومند ریخته شد و چه علمای بزرگی که برای رشد و گسترش این معارف و رسیدن آن به نسلهای بعد تلاش و کوشش پی گیر نموده و چه بسیار از آنان که شهید شدند و مرحوم علامه امینی در کتاب گرانسب **«كُنُودَةُ الْفَضِيلَةِ»** شهدایان راه فضیلت نام تعداد بسیاری از آنان را برده و از فضایل علمی و اخلاقی آنان تجلیل می نماید و رد آور این همه تلاش و خون، فرهنگ و معارف غنی اسلامی و فقهاء و علماء بزرگ می باشد که اکنون چشم و چراغ مسلمین می باشند...

باری، با توقف رشد علمی و تکنولوژیک در کشورهای اسلامی، و با رشد سریع اینگونه علوم در جهان غرب و سلطه سیاسی که کشورهای استعمارگر غربی بر جهان اسلام پیدا نمودند، پس از مدتها جریان انتقال علوم سیر معکوس پیدا کرده و این بار علوم تجربی از طریق غرب به جهان اسلام منتقل می گردید، با این تفاوت که اکنون بعثت زیر سلطه بودن کشورهای اسلامی، انتقال این علوم همراه با انتقال فرهنگ مسموم غربی و زدودن آثار فرهنگ اسلامی، همراه بود.

و با این خط سیر دوگانه بود که در جامعه اسلامی دو نوع علم و دو نوع حوزه علمی بوجود آمد:

۱- علوم جدید که با خط سیری که در فوق بدان اشاره شد، از طریق غرب به ایران و کشورهای اسلامی وارد و در این سرزمین ها رشد نموده و در مدارس و دبیرستانها و دانشگاههایی که به سبک غرب، ایجاد شده بودند شکل گرفته و گسترش یافتند

ولی بعثت روابط استعماری موجود مستلزم وابستگی علمی و تکنولوژیک به کشورهای غربی هرگز پایان نیافته بلکه هر روز شدیدتر شده است.

۲- علوم و معارف اسلامی یا اصطلاحاً علوم قدیمه که با شرحی که دادیم مشخص شد که چگونه در مقابل مسائل مقاومت نموده و خلوص خود را حفظ کرده و با گسترش آن اکنون بعنوان مهمترین پشتوانه فکری، فرهنگی جوامع اسلامی شناخته می شود.

استعمار وقتیکه به کشورهای اسلامی قدم نهاد، مهمترین دشمن خود را فرهنگ اسلامی یافت و تصمیم به مبارزه با آن گرفت و یکی از مؤثرترین راههای که استعمار پیدا کرده بود، مسئله ایجاد دشمنی و کینه بین این دو قشر تحصیلکرده یعنی دانشجویان و دانشگاهیان از یکسو و طلاب و روحانیت از سوی دیگر، بود و چه تلاشهایی که استعمار در این راه انجام داد و چه اقداماتی که بوسیله تشکیلات فراماسونری و مکاتب شرقی و غربی و چاپ گرائی و راست گرائی ایجاد نمود و خیل نادانان نیز در این میان آتش بیار معرکه بودند استعمار با ایجاد این اختلاف و دشمنی می خواست نیروهای عالم و تحصیلکرده اجتماع را بوسیله هدیکه خشتی نماید. تا خطری متوجه او نشود ولی در این میان بودند روحانیون و دانشگاهیانی که مسئله را بخوبی شناخته و دشمن اصلی را که همانا استعمار باشد، بخوبی شنانه رفته بودند و کمر به از میان برداشتن این اختلاف های ساختگی بسته بودند که این مسئله در دوران اخیر و با قیام امام خمینی شکل تازه ای بخود گرفت و روحانیون دانشمندان و الاطفاقی همچون شهید مطهری و شهید مفتح و دیگران از حوزه های علمیه بطرف دانشگاهها آمده و دانشجویان را با فرهنگ و معارف اسلامی آشنا نمودند و روشنگریها و رهنمودهای امام نیز در هر زمان بیانگر تنها راه سعادت ملت های مسلمان بوده است که همان وحدت این دو قشر (روحانی و دانشگاهی) می باشد.

و شهید مفتح در این میان برجستگی خاصی دارد، او سالها از عمر خویش را به تدریس در دانشگاهها و ارشاد نسل جوان با سخن و قلم و عمل، گذرانده و در زمان انقلاب نیز به ریاست دانشکده الهیات برگزیده شده بود و در همان محل نیز به شهادت رسید و او را میتوان بحق یکی از نمایان وحدت حوزه و دانشگاه نامید همانگونه که امید امت و امام، حضرت آیت... العظمی منتظری، روز شهادت او را، روز وحدت حوزه و دانشگاه نام نهادند، ما با ارج نهادن به مقام شهید مفتح و تمامی شهدای حوزه و دانشگاه و گرامی داشتن روز وحدت از خلودن می خواهیم که وحدت و انسجام تمامی امت مسلمان، بویژه وحدت دو بال ترقی و سعادت دو بال علم و دانش (روحانی و دانشجو) را هر چه بیشتر نموده و انقلاب اسلامی را به پیروزی نهائی برساند.

والسلام